**ولگرد**

**گی دوموپسان**

**مترجم: عامری، علی محمد**

مطالعهء متن این نامه بعنوان یک سند سیاسی قرن هفدهم دربارهء روابط ایران‏ و عثمانی از یکطرف و روابط ایران و دول اروپائی از طرف دیگر شایان کمال دقت و توجه‏ است زیرا از این نامه بخوبی برمیآید که شاه عباس کبیر در نامه و پیغامهای خود به‏ گراندوک فلورانس چند تقاضای اساسی بقرار زیر نموده است:

1-گراندوک فلورانس از رابطهء خویشاوندی که با پادشاه فرانسه دارد استفاده‏ کند و پادشاه فرانسه را بجنگ با دولت عثمانی تشویق و وادار نماید.

2-مملکت عثمانی از طرف دول اروپائی محاصرهء اقتصادی شود و دیگر تجار عیسوی بکشور سلطان عثمانی(الکه خواندگار)رفت و آمد ننمایند و با آن مملکت‏ معامله نکنند.و مسلم است که شاه عباس نظیر این پیغام را بوسیلهء رابرت شرلی فرستادهء مخصوص خود بکلیهء پادشاهان و امرای عیسوی اروپا داده بوده است.در حقیقت شاه عباس‏ میخواسته است اختلافات مذهبی که میان دولت عثمانی و دول عیسوی اروپا موجود بوده استفاده کند.این اختلاف میان سلطان عثمانی و دول مسیحی اروپا منتها از نظر اختلاف مذهب نبوده بلکه جهات سیاسی هم داشته و آن تسلط سلطان عثمانی بر چندین‏ کشور اروپائی بالکان بود که عموم اهالی آنها عیسوی‏مذهب بودند و طبعا باعث ناراحتی‏ و نگرانی دول اروپائی میشد.درهرحال نقشهء شاه عباس بطوریکه از این نامه‏های متبادله‏ صریحا آشکار میشود این بوده که دولت عثمانی را از شرق(بوسیلهء لشکریان ایران) و از غرب(بوسیلهءلشکریان دولت عیسوی اروپا)تحت فشار دولت نظامی قرار دهد و آنرا یا بکلی از پای درآورد یا لااقل آنرا بسیار ضعیف و ناتوان و آمادهء قبول هرگونه شرایطی‏ بسازد،و بطوریکه از نامهء گراندوک فلورانس روشن میشود اساس فکر و نقشهء شاه عباس‏ مورد توجه گراندوک مزبور واقع شده و او از اقدام جدی پاپ یعنی پادشاه روحانی کل‏ ملل عیسوی در این باب شاه عباس را خاطرجمع میسازد و ضمنا او را راهنمائی باتحاد با پادشاه اسپانیا میسازد،و بالاخره نامهء خود را با این نوید بشاه عباس پایان می‏بخشد و میگوید که با پیشوائی پاپ اعظم«پادشاهان عیسویه لشکر جمع کرده در دریا و در خشکی همیشه با رومی(عثمانی)جنگ نمایند»و بر این نوید مژدهء فتح و غلبهء نزدیک‏ شاه عباس را بر عثمانی در سطر آخر نامهء خود افزوده است.